



خط‌مشی‌گذاری در فرهنگ

دو فصلنامه اختصاصی مطالعات فرهنگی «خط‌مشی‌گذاری در فرهنگ»

سال دوم، شماره دوم، پیاپی ۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۴

صص ۴۴-۱۷؛ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

۱

بررسی انتقادی نسبت تربیت و آموزش و کاربست آن در سیاست‌گذاری تربیتی

محدثه فدایی^۱

چکیده

این مقاله به بررسی انتقادی نسبت دو مفهوم «تربیت» و «آموزش» و همچنین کاربست آن در سیاست‌گذاری‌های تربیتی می‌پردازد. از آنجا که تربیت و آموزش دو مفهوم پرکاربرد هستند، این تحقیق بر لزوم هماهنگی و تلفیق این دو مفهوم در طراحی سیاست‌ها تأکید دارد. مقاله به‌طور خاص به چالش‌های نظری و عملی در تفکیک و ادغام این دو مفهوم در سیاست‌های تربیتی می‌پردازد و نقدهایی اجتماعی و فرهنگی را نیز مطرح می‌کند. روش پژوهش، کیفی با رویکرد تحلیلی-انتقادی است و داده‌ها به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای و مرور نظام‌مند ادبیات گردآوری شده‌اند. منابع مورد استفاده شامل کتب علمی، مقالات تخصصی، گزارش‌های رسمی و اسناد سیاستی هستند که به‌صورت هدفمند و بر اساس ارتباط مستقیم با موضوع انتخاب گردیدند. داده‌های حاصل از این فرایند، در قالب مقایسه تطبیقی و تحلیل مفهومی، مبنای بحث‌ها و نقدهای ارائه‌شده در مقاله قرار گرفت. یافته‌های این مطالعه به پیوند ناگسستنی میان تربیت و آموزش اشاره دارد که برای تحقق اهداف تربیتی و آموزشی یک جامعه ضروری است. همچنین، مشکلات عملی مانند کمبود منابع انسانی و مالی، ضعف در ساختارهای اجرایی و چالش‌های نظری در تعریف این مفاهیم مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در نهایت، این مقاله با هدف ارتقاء کیفیت آموزش و تربیت در جوامع مختلف، به لزوم بهبود سیاست‌های تربیتی تأکید دارد و پیشنهاد می‌کند که تغییرات اساسی در فرآیندهای اجرایی و ارزیابی در جهت پاسخگویی به نیازهای



جامعه انجام شود. همچنین، به سیاست‌گذاران توصیه می‌شود که رویکردهای جامع و مشارکتی را در طراحی و اجرای سیاست‌های تربیتی در نظر بگیرند و منابع مالی و انسانی کافی برای سیستم آموزشی فراهم کنند.

کلیدواژه‌ها: تربیت، آموزش، سیاست‌گذاری تربیتی، آموزش و پرورش.

۱- مقدمه

تعلیم و تربیت در دنیای امروز یکی از ارکان حیاتی توسعه فردی، اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌رود. در راستای این توسعه، «تربیت» و «آموزش» به‌عنوان مفاهیم پایه در سیاست‌گذاری‌های تربیتی مطرح هستند (Focacci & Perez, 2022). این مفاهیم نه تنها در فرآیندهای آموزشی نقش اساسی دارند بلکه می‌توانند در زمینه‌هایی چون عدالت اجتماعی، توسعه انسانی و پایداری اجتماعی تأثیر عمیقی بگذارند. از این رو، بررسی رابطه بین این دو مفهوم و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر سیاست‌گذاری تربیتی امری ضروری و قابل توجه است.

هدف این مقاله، تحلیل دقیق‌تر رابطه تربیت و آموزش و بررسی تأثیرات آن‌ها بر سیاست‌گذاری‌های تربیتی است. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که نظام‌های آموزشی تنها به انتقال دانش و مهارت محدود نمی‌شوند، بلکه در سطح وسیع‌تر به تربیت شهروندانی مؤثر و آگاه در راستای اهداف جامعه نیز می‌پردازند (Li & Pils, 2023). به همین دلیل، مفهوم «تربیت» با توجه به ابعاد اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی‌اش باید در کنار «آموزش» که در قالب محتوای علمی و مهارت‌محور ظاهر می‌شود، مورد بررسی قرار گیرد. این بررسی، به‌ویژه در عرصه سیاست‌گذاری تربیتی، می‌تواند به درک عمیق‌تری از چالش‌ها و فرصت‌های موجود در سیستم‌های آموزشی کمک کند.

در سیاست‌گذاری‌های تربیتی، به کارگیری رویکردهایی که بتوانند این دو مقوله را به‌درستی با یکدیگر تلفیق کنند، می‌تواند به بهبود و ارتقای کیفیت نظام آموزش و پرورش منجر شود. بدین ترتیب، از آنجا که سیاست‌های تربیتی تأثیر زیادی بر آینده جامعه دارند، بررسی و تحلیل دقیق این دو مفهوم و کاربست آن‌ها در سیاست‌گذاری‌های تربیتی، گامی مؤثر در طراحی سیاست‌های تربیتی به‌شمار می‌آید.

برای پرداختن به هدف اصلی مقاله، پرسش‌های کلیدی زیر طرح می‌شود که جهت‌دهنده به بحث‌ها و تحلیل‌های مفصل در مقاله خواهند بود:



۱- رابطه بین تربیت و آموزش چیست؟ آیا این دو مقوله به‌طور همزمان یا به‌طور مستقل در سیاست‌گذاری‌های تربیتی مورد توجه قرار می‌گیرند؟ و چگونه می‌توان این دو را به هم پیوند زد تا نظام‌های آموزشی از هر دو جنبه بهره‌برداري کنند؟

۲- چگونه تربیت و آموزش بر فرآیند سیاست‌گذاری‌های تربیتی تأثیر می‌گذارند؟ این پرسش به دنبال بررسی نحوه‌ی تأثیر این دو مفهوم در طراحی و اجرای سیاست‌ها است. در این قسمت به تحلیل عواملی چون ساختارهای قدرت، ایدئولوژی‌ها و فرهنگ در سیاست‌های تربیتی پرداخته می‌شود که می‌توانند بر فرآیندهای آموزشی و تربیتی تأثیرگذار باشند.

۳- چگونه می‌توان از نتایج و تحلیل‌های تربیتی و آموزشی در سیاست‌گذاری‌ها بهره برد؟ در این قسمت به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های استفاده از رویکردهای انتقادی در شناسایی نقاط ضعف و قوت نظام‌های آموزشی پرداخته می‌شود که می‌تواند زمینه‌ساز اصلاحات اساسی در سیاست‌های تربیتی گردد.

در این مقاله، ابتدا به تعریف و تمایز مفاهیم تربیت و آموزش پرداخته می‌شود. سپس دیدگاه‌های مختلف در مورد این دو مفهوم بررسی می‌شوند و رابطه آن‌ها در فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی تحلیل خواهد شد. در بخش بعدی، به کاربرد این مفاهیم در سیاست‌گذاری‌های تربیتی و چالش‌های مرتبط پرداخته و در پایان، نتیجه‌گیری و پیشنهادات برای آینده ارائه می‌شود. تحلیل انتقادی مفاهیمی چون «تربیت» و «آموزش» و کاربست آن‌ها در سیاست‌گذاری‌های تربیتی می‌تواند گامی مؤثر در راستای تحقق اهداف بلندمدت آموزش و پرورش در جوامع معاصر باشد.

۲- تعریف و تمایز مفاهیم تربیت و آموزش

۲-۱- تعریف تربیت

تربیت مفهومی چندبعدی است که تأثیرات عمیقی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد. در بعد فلسفی، تربیت به‌عنوان فرآیند پرورش عقل و روح انسان تعریف می‌شود که شامل توسعه جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و روان‌شناختی است. این فرآیند به شکل‌دهی شخصیت افراد می‌پردازد و با ارتقاء ارزش‌ها، خصلت‌ها و ویژگی‌های روحی و اخلاقی، به کامل شدن انسان‌ها کمک می‌کند. به عبارت دیگر، هدف نهایی تربیت، پرورش نسلی متفکر، فعال و مسئول است که به شکوفایی جامعه و فرهنگ خود یاری رساند (Weber, 2019).



از نظر اجتماعی، تربیت به‌عنوان یک فرآیند حیاتی برای انتقال فرهنگ و ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر دیده می‌شود (Moschonas, 2019). این فرآیند شامل تعاملات پیچیده‌ای است که نه تنها بر روی فرد، بلکه بر روی ساختارهای اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارد. بنابراین، تربیت می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای ایجاد تغییرات اجتماعی و تقویت وحدت در جامعه مد نظر قرار گیرد.

از جنبه روان‌شناختی، تربیت فرآیندی است که بر رشد شناختی و عاطفی افراد تأثیرگذار است. روان‌شناسان تربیتی باور دارند که تربیت باید به نیازهای فردی و روانی هر کودک توجه کند و به او کمک کند تا به سطوح بالاتری از خودآگاهی و اعتماد به نفس دست یابد.

۲-۲- تعریف آموزش

آموزش به‌صورت رسمی و غیررسمی انجام می‌شود و هر یک نقش و ویژگی‌های خاص خود را دارا هستند. آموزش رسمی معمولاً در مدارس و دانشگاه‌ها ارائه می‌شود و دارای ساختار و برنامه‌ریزی مشخصی است که هدف آن ارائه مدارک تحصیلی معتبر و آماده‌سازی فرد برای ورود به بازار کار است. این نوع آموزش تحت نظارت سازمان‌های دولتی یا غیردولتی است و شامل مراحل مختلفی از تحصیلات ابتدایی تا مقاطع بالاتر می‌شود (McGrath et al., 2019).

در مقابل، آموزش غیررسمی شامل تمام فرآیندهای یادگیری است که در چارچوب‌های غیررسمی و بدون ساختار مشخص صورت می‌گیرد. این آموزش می‌تواند به شکل‌های مختلفی از جمله یادگیری از طریق تجربه‌های زندگی روزمره، تعاملات اجتماعی و مهارت‌های عملی انجام شود. آموزش غیررسمی بیشتر بر تجربیات شخصی و مهارت‌های کاربردی تأکید دارد و به افراد این امکان را می‌دهد که به یادگیری در هر زمان و مکانی بپردازند.

آموزش فنی و عمومی نیز بخش‌های دیگری از آموزش هستند که عمدتاً برای یادگیری مهارت‌ها و دانش فنی مورد نیاز برای انجام کارهای مختلف فنی مانند تعمیرات و ساخت‌وساز برگزار می‌شوند.

۲-۳- تمایز میان تربیت و آموزش

برخی متخصصان معتقدند که "تعلیم" به معنای انتقال دانش و مهارت است، در حالی که "تربیت" به پرورش ابعاد اخلاقی، اجتماعی، و شخصیتی فرد اشاره دارد. این تمایز برای تأکید بر جنبه‌های مختلف رشد انسان ضروری است و در حقیقت اتخاذ این تمایز، به دلیل وجود شئون و سطوح مختلف تربیتی در انسان می‌باشد. برخی دیگر بیان کرده‌اند که استفاده از دو واژه به سیاست‌گذاران و مجریان آموزش کمک می‌کند تا برنامه‌ها را با توجه به اهداف متفاوت این دو طراحی کنند و در حقیقت



بررسی انتقادی نسبت تربیت و آموزش و کاربست آن در سیاستگذاری تربیتی؛ محدثه فدایی

ریشه این تمایز در ساختار نظامات آموزشی است که نقش‌های مختلفی را پیش بینی نموده و برای ایجاد مفاهمه جهت نقش سپاری به این مسئولیت‌ها، تفاوت مفهومی یک ضرورت می‌باشد (Mason, 2020).

تربیت و آموزش دو مفهوم اساسی در فرآیند یاددهی و یادگیری هستند که هر کدام اهداف و ویژگی‌های خاص خود را دارند. تربیت بیشتر به شکل‌دهی شخصیت و ارزش‌های فردی می‌پردازد، در حالی که آموزش به انتقال دانش و مهارت‌ها مرتبط می‌شود. در واقع، تربیت می‌تواند به‌عنوان بستر و زمینه‌ساز برای فرآیند آموزش عمل کند.

فرآیند تربیت شامل شکل‌گیری ارزش‌ها، رفتارها و نگرش‌هایی است که در طول زمان و از طریق تجربیات زندگی ایجاد می‌شوند. بنابراین، هدف تربیت نه تنها رشد فکری، بلکه تربیت عواطف و اخلاق نیز است. در مقابل، آموزش به‌عنوان یک روش نظام‌مند در یادگیری و کسب مهارت‌ها، بیشتر بر محور مسائل علمی و فنی متمرکز است. هر دو فرآیند آموزش و تربیت بر یکدیگر تأثیرگذار هستند. آموزش می‌تواند به تربیت فرد کمک کند، زیرا کسب دانش و مهارت در نهایت به پرورش شخصیت و توسعه توانمندی‌های فرد منجر می‌شود. از سوی دیگر، تربیت صحیح می‌تواند تأثیر معنوی و اخلاقی بر آموزش داشته باشد و به شکل‌گیری یک فرد متعهد و مسئول منجر شود. به همین دلیل، در یک فرآیند آموزشی مؤثر، نباید از جنبه‌های تربیتی غافل شد (Scott, 2020).

در نهایت، تمایز میان تربیت و آموزش به ما کمک می‌کند که اهداف و فرآیندهای مؤثر را شناسایی کنیم و به نتایج مطلوبی در سیستم‌های آموزشی دست یابیم. شناخت تفاوت‌ها و تشابهات این دو مفهوم می‌تواند در بهبود روش‌های آموزشی و ارتقای کیفیت یادگیری مؤثر باشد (Paice, 2023).

۳- مبانی نظری تربیت و آموزش

۳-۱- نظریه‌های تربیتی

نظریه‌های تربیتی به‌عنوان پایه‌های فکری و فلسفی تربیت، تأثیر عمیقی بر رویکردهای تربیتی در جوامع مختلف داشته‌اند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این نظریه‌ها پرداخته می‌شود.

۱. **نظریه تربیتی ارسطو:** ارسطو به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان تاریخ، تربیت را فرآیندی اساسی برای رشد فرد و جامعه می‌داند. او معتقد بود که تربیت باید به پرورش فضایل اخلاقی، عقلانی و عملی انسان منجر شود. ارسطو بر این باور بود که تربیت نه تنها باید دانش و مهارت‌های علمی را در بر بگیرد بلکه باید به پرورش فضایل اخلاقی نیز بپردازد. تأکید او بر هماهنگی



میان دانش و اخلاق و تربیت جامع شخصیت انسان، به شکل‌گیری ساختارهای تربیتی متعددی در فلسفه‌های شرقی و غربی انجامیده است (مالک و نایج، ۱۳۹۰).

۲. نظریه تربیتی کانت: امانوئل کانت، فیلسوف روشنگری آلمانی، تأکید خاصی بر تربیت اخلاقی داشت. او معتقد بود که انسان‌ها باید بر اساس اصول اخلاقی عقلانی تربیت شوند و تربیت باید آزادی فرد را محترم شمارد. کانت بر این باور بود که استفاده از عقل خودمختارانه در فرآیند تربیت باید به گونه‌ای باشد که فرد بتواند به عنوان یک شهروند آزاد و اخلاقی در جامعه عمل کند. این دیدگاه، مضامین تربیتی کانت را در سیستم‌های آموزشی مدرن، به ویژه در زمینه‌های مربوط به آموزش شهروندی و اخلاق، تأثیرگذار کرده است.

۳. نظریه تربیتی فروبل: فردریش فروبل، بنیان‌گذار مهدکودک، بر اهمیت بازی و فعالیت عملی در تربیت کودکان تأکید می‌کرد. او معتقد بود که کودکان با تعامل در محیط‌های طبیعی و بازی‌های خلاقانه می‌توانند به بهترین وجه رشد یابند. نظریات فروبل به ایجاد و توسعه مؤسسات پیش‌دبستانی و مهدکودک در سراسر جهان منجر شده است و اهمیت بازی و تعامل اجتماعی در تربیت کودکان و ارزش‌گذاری به نقش معلم به‌عنوان راهنما در این فرآیند را تقویت کرده است.

۴. نظریه تربیتی پیاژه: ژان پیاژه با تمرکز بر توسعه شناختی کودکان، معتقد بود که یادگیری فرآیندی است که از طریق مراحل مختلف رشد شناختی، از کارکرد حسی-حرکتی تا تفکر انتزاعی، پیوسته و پیش‌رونده است. نظریات او بر تربیت کودکان تأثیر بزرگی داشته و به شکل‌گیری روش‌های آموزشی که بر مراحل رشد طبیعی کودکان تمرکز می‌کنند کمک کرده است. این نظریات، منجر به توسعه روش‌های آموزشی شد که بر پایه شناخت و فعالیت‌های متناسب با سن و مرحله رشد فردی کودکان بنا شده‌اند.

۵. نظریه تربیتی شهید مطهری: شهید مطهری نظریه تربیتی جامعی ارائه می‌دهد که بر اساس اصول اسلامی و انسانی استوار است. او بر اهمیت تربیت همه‌جانبه فرد تأکید دارد که شامل رشد عقلانی، اخلاقی و معنوی باشد. به‌علاوه، مطهری به نقش معلم به‌عنوان راهنما و الگو و همچنین نقش خانواده در تربیت تأکید می‌کند. از دیدگاه او، تربیت باید همزمان به پرورش مهارت‌های اجتماعی و پرورش مسئولیت‌پذیری فرد در جامعه بپردازد. مطهری همچنین اهمیت آزادی و انضباط را در فرآیند تربیت به‌طور متوازن مدنظر قرار می‌دهد و بر نقش هنر در رشد عاطفی و عقلانی فرد تأکید دارد (شمس مفرحه و همکاران، ۱۳۹۷).



۲-۳- نظریه‌های آموزشی

نظریه‌های آموزشی نیز به تحولات مهمی در رویکردهای یادگیری و آموزش منجر شده‌اند. برخی از مهم‌ترین این نظریات شامل موارد زیر است:

۱. **رفتارگرایی:** این نظریه که توسط جان واتسون پایه‌گذاری و توسط بی. اف. اسکینر توسعه یافته است، بر این اصل استوار است که یادگیری نتیجه تغییرات در رفتار افراد است که از طریق تقویت و انزجار حاصل می‌شود (Thoms & Burton, 2016). در این دیدگاه، فرآیند یادگیری به شیوه‌ای مکانیکی و حساب‌شده پیش می‌رود و نتایج مستقیماً از طریق تقویت‌کنندگان مثبت و منفی کنترل می‌شوند. رفتارگرایی به‌طور گسترده‌ای در طراحی برنامه‌های درسی و تکنیک‌های مدیریتی کلاس در مدارس ابتدایی و متوسطه به کار گرفته شده است.

۲. **ساخت‌گرایی:** نظریه ساخت‌گرایی، به ویژه توسط ژان پیاژه و لئو ویگوتسکی تبلیغ شده است، ادعا می‌کند که یادگیرنده فعالانه دانش را با کنارهم گذاشتن تجربیات و اطلاعات جدید بر دانش گذشته می‌سازد. در این رویکرد، یادگیری فرآیندی پویا است که در آن فرد از طریق تعامل فعال با محیط و حل مسائل پیچیده به صورت انفرادی و گروهی، به درک و حل مسائل دست می‌یابد. رویکرد ساخت‌گرایی به ایجاد فناوری‌های آموزشی مدرن و توسعه روش‌های یادگیری فعال و مشارکتی کمک کرده است.

۳. **شناخت‌گرایی:** این نظریه، که در دهه ۱۹۵۰ توسعه یافت، بر این باور است که یادگیری به‌عنوان یک فرآیند پیچیده و درونی شامل درک، ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات است. این رویکرد نشان می‌دهد که یادگیری ناشی از سازماندهی اطلاعات و استدلالات شناختی، همچون طرحواره‌ها و شبکه‌های مفهومی است. شناخت‌گرایی بر نقش مهم تعاملات فردی با محتوا و محیط تأکید دارد و منجر به طراحی برنامه‌های آموزشی شده که بر قدرت تفکر انتقادی و حل مسئله متمرکزند (Wallace et al., 2017).

۳-۳- نقاط اشتراک و افتراق

یکی از پرسش‌های اساسی این است که آیا واقعاً بین تعلیم (آموزش) و تربیت (پرورش) جدایی وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش، چهار دیدگاه مطرح می‌شود:

- دیدگاه یکپارچه‌گرایانه حداکثری: برخی از خبرگان بر این باورند که دو مفهوم «تعلیم» و «تربیت»، کاملاً یک مفهوم یکپارچه بوده و تفکیک آنها در ساحت نظر و عمل امکان‌پذیر



- نمی‌باشد. در حقیقت براین اساس تعلیم و تربیت به گونه‌ای مشترک لفظی محسوب می‌شوند.
- دیدگاه تفکیک‌گرایانه حداکثری: در این رویکرد، نه تنها در ساحت نظر و مفهوم، «تعلیم» و «تربیت» متمایزاند بلکه در ساحت میدان نیز اقدام تربیتی با اقدام آموزشی کاملاً متمایز بوده و نظام مدیریتی مختص به خود را نیاز دارند.
- دیدگاه مکمل‌گرایانه: دیدگاهی است که این دو مفهوم را در ساحت نظر، متمایز قلمداد می‌کند و در ساحت عینیت نیز قائل به نقش مکمل‌گونه بین این دوست به گونه‌ای که تعلیم بدون تربیت را بی‌نتیجه و تربیت بدون تعلیم را ناکارآمد مینداند.
- دیدگاه مفهوم‌گرایانه: در این دیدگاه، گرچه تربیت و آموزش را در خارج یک پدیده واحد قلمداد می‌کند اما بر خلاف دیدگاه اول که این دو واژه را مشترک لفظی می‌داند، تعلیم و تربیت را دو مفهوم و دو اعتبار از یک پدیده واحد در خارج محسوب می‌کند. در حقیقت «تعلیم» و «تربیت» دو حیثیت متمایز از یک کنش و سوژه عینی است.
- با بررسی نظریات تربیتی و آموزشی، می‌توان به درک بهتری از نقاط اشتراک و تفاوت‌های آنها رسید. یکی از نقاط مشترک این نظریات، تأکید بر اهمیت تربیت و آموزش در توسعه فرد و جامعه است. اکثر این نظریات بر این باورند که تربیت و آموزش باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که توانمندی‌های فردی را پرورش دهند و به پیشرفت اجتماعی و فرهنگی کمک کنند.
- تفاوت کلیدی میان این نظریات غالباً در تأکید بر یکی از جنبه‌های شناختی، عاطفی یا اجتماعی فراگیران نهفته است. به‌عنوان مثال، نظریه‌های رفتارگرا بیشتر به ابعاد رفتاری و تقویت‌کننده‌های بیرونی می‌پردازند، در حالی که نظریه‌های ساخت‌گرا و شناخت‌گرا بیشتر بر فعال‌سازی درونی و شناختی فرد در فرآیند یادگیری تأکید می‌کنند.
- برخی نظریات، مانند نظریات کانت و پیازه، بر جنبه‌های اخلاقی و شناختی تربیت تأکید دارند، در حالی که دیگران، مانند فروبل، بر اهمیت تجربه و کشف در یادگیری کودک تمرکز می‌کنند. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده این است که هر نظریه به بُعد خاصی از تربیت و آموزش اولویت می‌دهد و به چالش‌ها و نیازهای خاصی در فرآیند یاددهی و یادگیری می‌پردازد (Rachmad, 2022).
- این بررسی نظریات و رویکردهای مختلف نشان می‌دهد که تربیت و آموزش به‌عنوان مفاهیمی پویا و چندبعدی نیازمند درک و توجه به جنبه‌های متنوع و تعاملات پیچیده هستند که می‌توانند به شکل‌گیری سیستم‌های تربیتی و آموزشی مؤثر و جامع در سیاست‌گذاری تربیتی منجر شوند.



۴- روش‌شناسی پژوهش

۴-۱- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کیفی با رویکرد تحلیلی-انتقادی است. در این رویکرد، هدف اصلی بررسی عمیق و لایه‌به‌لایه مفاهیم و تحلیل نسبت میان «تربیت» و «آموزش» در بستر سیاست‌گذاری‌های تربیتی است. استفاده از رویکرد تحلیلی-انتقادی این امکان را فراهم می‌آورد که علاوه بر توصیف مفاهیم و نظریات موجود، با دیدگاهی نقادانه، تناقض‌ها، نارسایی‌ها و ابعاد مغفول در این حوزه شناسایی و تبیین شوند. به دلیل ماهیت موضوع و تمرکز بر تحلیل مفهومی و تئوریک، پژوهش در چارچوب پژوهش‌های نظری و تحلیل محتوای متنی جای می‌گیرد.

۴-۲- روش گردآوری اطلاعات

داده‌ها و شواهد این پژوهش به صورت مطالعه کتابخانه‌ای و بر پایه مرور نظام‌مند ادبیات گردآوری شده‌اند. برای این منظور، منابعی همچون کتاب‌های تخصصی، مقالات علمی-پژوهشی داخلی و خارجی، گزارش‌های رسمی نهادهای آموزشی، اسناد سیاستی، و متون نظری مرتبط با حوزه تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار گرفته است. فرآیند گردآوری داده‌ها در چند گام انجام شده است:

۱. انتخاب هدفمند منابع بر اساس ارتباط مستقیم با موضوع و دارا بودن اعتبار علمی؛

۲. طبقه‌بندی موضوعی منابع جهت تحلیل مقایسه‌ای دیدگاه‌ها؛

۳. استخراج مفاهیم کلیدی و شناسایی شکاف‌ها و چالش‌های نظری و عملی.

تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و با بهره‌گیری از مقایسه تطبیقی و استنتاج منطقی صورت پذیرفته است تا ارتباط میان مفاهیم «تربیت» و «آموزش» و کاربست آن‌ها در سیاست‌گذاری‌های تربیتی آشکار شود.

۵- رابطه تربیت و آموزش در فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی

۵-۱- نقش تربیت در جامعه

تربیت، به عنوان یک فرآیند بنیادین و طولانی‌مدت، نقش محوری در شکل‌گیری شخصیت، هویت و ارزش‌های فردی و اجتماعی ایفا می‌کند. تربیت صرفاً انتقال دانش یا اطلاعات نیست، بلکه فرآیندی است که در آن فرد به تدریج درک می‌کند که کیست، چه نقشی در جامعه دارد و چگونه



باید با دیگران تعامل کند. این فرآیند، با ایجاد پایه‌های اخلاقی و اجتماعی، به فرد کمک می‌کند تا به عضو مؤثر و مسئولیت‌پذیر جامعه تبدیل شود (Moscardini et al., 2022).

الف. شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی: تربیت، نقش اساسی در شکل‌گیری هویت فردی دارد. در فرآیند تربیت، افراد با ارزش‌ها، باورها، سنت‌ها و هنجارهای جامعه آشنا می‌شوند و بر اساس آن‌ها، درک شخصی خود از جهان و جایگاه خود در آن را شکل می‌دهند. این فرآیند، به فرد کمک می‌کند تا احساس تعلق و وابستگی به گروه، جامعه و فرهنگ خود داشته باشد. هویت اجتماعی، که از طریق تعاملات فرد با محیط و سایر اعضای جامعه شکل می‌گیرد، نیز به شدت تحت تأثیر تربیت قرار دارد. خانواده، مدرسه، دوستان و رسانه‌ها، همگی در این فرآیند نقش دارند و به فرد کمک می‌کنند تا درک جامع‌تری از نقش و جایگاه خود در ساختار اجتماعی پیدا کند. تربیت، با انتقال الگوهای رفتاری، نقش‌ها و انتظارات اجتماعی، به فرد کمک می‌کند تا در جامعه، هویتی پایدار و معنادار برای خود شکل دهد. در واقع، فرد از طریق تربیت، می‌آموزد که چگونه در تعامل با دیگران، هویت خود را حفظ کرده و در عین حال، بخشی از یک کل بزرگتر باشد. به عنوان مثال، تربیت ارزش‌های احترام، همدلی و همکاری، به شکل‌گیری هویت اجتماعی مثبت کمک می‌کند و فرد را آماده پذیرش نقش‌های مختلف در جامعه می‌سازد (Kastrati, 2016).

ب. تاسیس ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی: تربیت، نقش کلیدی در انتقال و تثبیت ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی دارد. از طریق فرآیندهای تربیتی، ارزش‌های اصلی یک جامعه به نسل‌های جدید منتقل می‌شوند و تداوم فرهنگی را تضمین می‌کنند. ارزش‌هایی مانند صداقت، عدالت، احترام به دیگران، مسئولیت‌پذیری، و مشارکت اجتماعی، همگی محصول فرآیندهای تربیتی هستند که به طور نظام‌مند در طول زندگی فرد، از کودکی تا بزرگسالی، تقویت می‌شوند. نظام تربیتی یک جامعه، با تعیین ارزش‌های مورد تأکید، به افراد کمک می‌کند تا درک مشترکی از رفتار صحیح و ناصحیح داشته باشند و بر اساس آن، کنش‌های خود را تنظیم کنند. به عنوان مثال، در جوامعی که ارزش‌های فرهنگی بر پایه احترام به سالمندان و حفظ سنت‌ها استوار است، تربیت، به کودکان یاد می‌دهد که چگونه با بزرگترها و رسوم فرهنگی خود رفتار کنند. تربیت همچنین در تقویت ارزش‌های اخلاقی نقش دارد. از طریق داستان‌ها، مثال‌ها و الگوهای رفتاری، افراد با مفاهیم خیر و شر، حق و باطل، و درست و نادرست آشنا می‌شوند (Wright, 2020). نظام‌های تربیتی، با ترویج ارزش‌های اخلاقی مانند صداقت، مهربانی و عدالت، به شکل‌گیری جامعه‌ای سالم‌تر و عادلانه‌تر کمک می‌کنند. در نهایت، تربیت نقش حیاتی در حفظ و انتقال فرهنگ ایفا می‌کند. از طریق



بررسی انتقادی نسبت تربیت و آموزش و کاربست آن در سیاستگذاری تربیتی؛ محدثه فدایی

فرآیندهای تربیتی، زبان، هنر، ادبیات، موسیقی و سایر عناصر فرهنگی یک جامعه، به نسل‌های بعدی منتقل می‌شوند. تربیت به افراد کمک می‌کند تا به میراث فرهنگی خود افتخار کنند و آن را حفظ کرده و توسعه دهند. این انتقال فرهنگی، به تداوم هویت جمعی و انسجام اجتماعی کمک می‌کند.

۵-۲- نقش آموزش در جامعه

آموزش، به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه جوامع، نقش بسیار مهمی در توانمندسازی افراد، افزایش دانش و مهارت‌ها، و آماده‌سازی آن‌ها برای ایفای نقش‌های گوناگون در جامعه دارد. آموزش، فرایندی است که به افراد ابزارهای لازم برای یادگیری مداوم، حل مسئله، تصمیم‌گیری و مشارکت فعال در جامعه را فراهم می‌کند. از طریق آموزش، افراد نه تنها دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی را کسب می‌کنند، بلکه توانایی تفکر انتقادی، خلاقیت و نوآوری را نیز پرورش می‌دهند.

الف. تقویت مهارت‌ها و آماده‌سازی برای نقش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی:

آموزش، نقش محوری در تقویت مهارت‌های فردی و آماده‌سازی افراد برای نقش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کند. آموزش با ارائه دانش و مهارت‌های لازم، افراد را قادر می‌سازد تا در حوزه‌های مختلف شغلی فعالیت کنند، به توسعه اقتصادی کمک کنند و در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی مشارکت داشته باشند. در حوزه اجتماعی، آموزش به افراد کمک می‌کند تا با هنجارها و قوانین اجتماعی آشنا شوند، حقوق و مسئولیت‌های خود را بشناسند و در تعاملات اجتماعی به صورت موثر و سازنده عمل کنند. آموزش، با ارتقاء سواد و آگاهی عمومی، به افراد قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری درست را می‌دهد و آن‌ها را به شهروندان فعال و مسئولیت‌پذیر تبدیل می‌کند. در حوزه اقتصادی، آموزش با ارائه مهارت‌های تخصصی و فنی، افراد را برای ورود به بازار کار آماده می‌کند. نظام‌های آموزشی، با ارائه دوره‌های آموزش حرفه‌ای و فنی، به افراد کمک می‌کنند تا مهارت‌های مورد نیاز برای مشاغل مختلف را کسب کنند و به توسعه اقتصادی کمک کنند. آموزش، همچنین به افراد کمک می‌کند تا مهارت‌های کارآفرینی و مدیریت را فرا بگیرند و بتوانند کسب‌وکارهای جدید ایجاد کنند. در حوزه سیاسی، آموزش، با افزایش آگاهی سیاسی و اجتماعی، افراد را برای مشارکت فعال در فرآیندهای تصمیم‌گیری آماده می‌کند. از طریق آموزش، افراد با نظام‌های سیاسی، حقوق شهروندی و فرآیندهای دموکراتیک آشنا می‌شوند و می‌توانند به طور آگاهانه در انتخاب مسئولان و تعیین سرنوشت جامعه خود سهیم باشند. آموزش، همچنین به افراد کمک می‌کند تا توانایی تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی را پیدا کنند و در بحث‌ها و گفت‌وگوهای عمومی به طور منطقی و مستدل مشارکت کنند (Hulten, 2017).



ب. ارتقاء تفکر انتقادی، خلاقیت و نوآوری: آموزش، نقش اساسی در ارتقاء تفکر

انتقادی، خلاقیت و نوآوری دارد. نظام‌های آموزشی مدرن، تنها به انتقال دانش محدود نمی‌شوند، بلکه هدف اصلی آن‌ها پرورش توانایی‌های تفکر، تحلیل و نوآوری در افراد است. تفکر انتقادی، به افراد کمک می‌کند تا اطلاعات را ارزیابی کنند، فرضیات را به چالش بکشند، مسائل را از زوایای مختلف بررسی کنند و به راه‌حل‌های منطقی برسند (Raj et al., 2022).

نظام‌های آموزشی که بر تفکر انتقادی تأکید دارند، به جای حفظ کردن اطلاعات، بر درک عمیق مفاهیم و توانایی کاربرد آن‌ها در موقعیت‌های مختلف تمرکز می‌کنند. خلاقیت، یکی دیگر از مهارت‌های ضروری در دنیای امروز است که آموزش، نقش مهمی در پرورش آن ایفا می‌کند. نظام‌های آموزشی که از روش‌های فعال یادگیری، حل مسئله و پروژه‌های گروهی استفاده می‌کنند، به افراد کمک می‌کنند تا توانایی‌های خلاقانه خود را کشف و توسعه دهند. این نظام‌ها، همچنین به افراد اجازه می‌دهند تا ایده‌های خود را بیان کنند، از اشتباهات خود درس بگیرند و به دنبال راه‌حل‌های نوآورانه برای مشکلات باشند. نوآوری، نیز از طریق آموزش تشویق و تقویت می‌شود. آموزش، با ارائه دانش و مهارت‌های لازم، افراد را قادر می‌سازد تا ایده‌های جدید را به واقعیت تبدیل کنند و به توسعه فناوری و پیشرفت علمی کمک کنند. نظام‌های آموزشی که بر پژوهش و توسعه تأکید دارند، به افراد کمک می‌کنند تا مهارت‌های تحقیق و نوآوری را فرا بگیرند و بتوانند به طور مستقل و مؤثر در حوزه‌های مختلف دانش و فناوری فعالیت کنند (Drozich et al., 2023).

۳-۵- نقاط تقاطع تربیت و آموزش در فرآیند اجتماعی

تربیت و آموزش، دو روی یک سکه هستند که در تعامل با یکدیگر، به تکامل فرد و جامعه کمک می‌کنند. این دو مفهوم، با وجود تفاوت‌هایی که در اهداف و روش‌ها دارند، به طور پیوسته در هم تنیده‌اند و نقش‌های مکمل یکدیگر را ایفا می‌کنند. تربیت، با ایجاد ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری، پایه‌های اساسی برای آموزش را فراهم می‌کند. در حالی که آموزش، با ارائه دانش، مهارت‌ها و توانایی‌های لازم، به افراد کمک می‌کند تا به طور مؤثر در جامعه عمل کنند و در فرآیندهای توسعه اجتماعی مشارکت داشته باشند.

الف. تعامل و تأثیر متقابل تربیت و آموزش: آموزش در یک تعامل مداوم، به

شکل‌گیری شخصیت و هویت فردی و اجتماعی کمک می‌کنند. تربیت، با تأکید بر ارزش‌ها و اخلاق، چارچوب‌های رفتاری و نگرشی را برای فرد فراهم می‌کند، در حالی که آموزش، با ارائه دانش و



مهارت‌ها، فرد را برای زندگی و کار در جامعه آماده می‌سازد. به عنوان مثال، تربیت ارزش‌های احترام به دیگران و مسئولیت‌پذیری، به افراد کمک می‌کند تا در فرآیندهای آموزشی، به طور فعال و سازنده مشارکت کنند. در عین حال، آموزش، با ارائه دانش و مهارت‌های لازم، به افراد کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی پیدا کنند و در رفتار و تعاملات خود با دیگران، از آن‌ها پیروی کنند. تربیت، به افراد کمک می‌کند تا نگرش‌های مثبت نسبت به یادگیری و آموزش پیدا کنند. افرادی که در یک محیط تربیتی غنی و حمایت‌کننده رشد می‌کنند، به احتمال زیاد، انگیزه بیشتری برای یادگیری و پیشرفت تحصیلی خواهند داشت. در مقابل، آموزش، با ارائه دانش و مهارت‌های لازم، به افراد کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از خود، جامعه و جهان پیرامون خود پیدا کنند (Korneiko et al., 2023). این درک عمیق‌تر، می‌تواند به تقویت ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی کمک کند و افراد را به شهروندان فعال و مسئولیت‌پذیر تبدیل کند. تربیت و آموزش، هر دو در شکل‌گیری هویت فرهنگی نقش دارند. تربیت، با انتقال سنت‌ها، ارزش‌ها و زبان مادری، به افراد کمک می‌کند تا با میراث فرهنگی خود آشنا شوند و به آن افتخار کنند. در حالی که آموزش، با ارائه دانش در مورد فرهنگ‌های دیگر، به افراد کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از تنوع فرهنگی جهان پیدا کنند و به تفاوت‌های فرهنگی احترام بگذارند.

ب. نقش مشترک تربیت و آموزش در تکامل جامعه: تربیت و آموزش، هر دو در توسعه اجتماعی و فرهنگی جوامع نقش کلیدی دارند. تربیت، با ایجاد ارزش‌ها و نگرش‌های مثبت، پایه‌های یک جامعه سالم و پیشرفته را بنا می‌کند. در حالی که آموزش، با ارتقاء دانش و مهارت‌ها، نیروی انسانی لازم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی را تأمین می‌کند. تربیت و آموزش، هر دو در تقویت انسجام اجتماعی نقش دارند. تربیت، با ترویج ارزش‌های همکاری، همدلی و احترام به دیگران، به افراد کمک می‌کند تا در جامعه با یکدیگر تعامل سازنده داشته باشند. در حالی که آموزش، با ایجاد درک مشترک از مسائل اجتماعی، به افراد کمک می‌کند تا در فرآیندهای تصمیم‌گیری جمعی مشارکت کنند و به حل مسائل جامعه کمک کنند. تربیت و آموزش، هر دو در تقویت دموکراسی نقش دارند. تربیت، با ترویج ارزش‌های آزادی، عدالت و حقوق بشر، به افراد کمک می‌کند تا به شهروندان فعال و مسئولیت‌پذیر تبدیل شوند. در حالی که آموزش، با افزایش آگاهی سیاسی و اجتماعی، به افراد کمک می‌کند تا در فرآیندهای دموکراتیک مشارکت فعال داشته باشند و به انتخاب رهبران و تعیین سرنوشت جامعه خود کمک کنند. در نهایت، تربیت و آموزش، هر دو در تقویت توسعه پایدار نقش دارند. تربیت، با ترویج ارزش‌های حفاظت از محیط زیست و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به افراد کمک



می‌کند تا به مصرف‌کنندگان آگاه و مسئولیت‌پذیر تبدیل شوند. در حالی که آموزش، با ارائه دانش و مهارت‌های لازم، به افراد کمک می‌کند تا به دنبال راه‌حل‌های نوآورانه برای مشکلات زیست‌محیطی و اجتماعی باشند و به توسعه پایدار جامعه کمک کنند (Korneiko et al., 2023).

۶- کاربرد تربیت و آموزش در سیاست‌گذاری‌های تربیتی

۱-۶- سیاست‌گذاری تربیتی

سیاست‌گذاری تربیتی فرایندی است که در آن تصمیمات کلیدی در مورد سیستم‌های آموزشی و تربیتی اتخاذ می‌شود. این فرایند شامل مجموعه‌ای از اهداف، استراتژی‌ها، اولویت‌ها و اقدامات است که به‌طور مستقیم بر کیفیت و نحوه تربیت و آموزش نسل‌های آینده تأثیر می‌گذارد. در حقیقت، سیاست‌گذاری تربیتی به‌طور مستقیم بر فرایندهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع تأثیر می‌گذارد و به‌عنوان عاملی برای تضمین توسعه پایدار و پیشرفت کشورها عمل می‌کند.

الف. مفهوم سیاست‌گذاری تربیتی: سیاست‌گذاری تربیتی، به مجموعه فعالیت‌ها و برنامه‌های نظام‌مند گفته می‌شود که با هدف ارتقاء کیفیت آموزش و تربیت در یک جامعه طراحی می‌شود. این سیاست‌ها معمولاً توسط دولت‌ها یا نهادهای مسئول سیاست‌گذاری طراحی و اجرا می‌شوند و به‌طور کلی اهدافی همچون افزایش دسترسی به آموزش، بهبود کیفیت تربیت، ایجاد عدالت آموزشی، و آماده‌سازی افراد برای نقش‌های اجتماعی و شغلی را دنبال می‌کنند. سیاست‌گذاری تربیتی، در بسیاری از کشورها به‌عنوان ابزاری برای تحقق اهداف بلندمدت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود.

ب. ابعاد مختلف سیاست‌گذاری تربیتی:

سیاست‌گذاری تربیتی می‌تواند ابعاد مختلفی داشته باشد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اهداف، استراتژی‌ها و اولویت‌ها اشاره کرد:

- اهداف سیاست‌گذاری تربیتی: از اهداف اصلی سیاست‌گذاری تربیتی می‌توان به ارتقاء سطح آموزشی جامعه، کاهش نابرابری‌های آموزشی، تضمین دسترسی عادلانه به منابع آموزشی، و پرورش نسل‌هایی با مهارت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز برای مواجهه با چالش‌های اجتماعی و اقتصادی اشاره کرد. هدف دیگر سیاست‌گذاری تربیتی، تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی افراد است که از طریق انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد.
- استراتژی‌ها: استراتژی‌ها در سیاست‌گذاری تربیتی به روش‌ها و برنامه‌های اجرایی اطلاق می‌شوند که برای تحقق اهداف مورد نظر طراحی می‌شوند. این استراتژی‌ها می‌توانند شامل



اصلاحات آموزشی، تغییرات در نظام‌های آموزشی، ارتقاء کیفیت معلمان و مربیان، و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای ارائه آموزش باکیفیت باشند (Rowe et al., 2021).

- اولویت‌ها: در سیاست‌گذاری تربیتی، اولویت‌ها به مسائلی گفته می‌شود که باید در اولویت قرار گیرند تا به‌طور مؤثر به اهداف سیاست‌گذاری دست یافت. این اولویت‌ها ممکن است شامل بهبود کیفیت آموزش در مناطق محروم، گسترش آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، یا حمایت از سیستم‌های آموزش و پرورش غیررسمی باشند.

ج. چالش‌های سیاست‌گذاری تربیتی: سیاست‌گذاری تربیتی با چالش‌های مختلفی مواجه است که ممکن است بر تحقق اهداف آن تأثیر منفی بگذارد (Rodolfa & Schaffer, 2019). برخی از این چالش‌ها عبارتند از:

- عدم هماهنگی بین نهادهای مختلف: در بسیاری از جوامع، سیاست‌های تربیتی ممکن است از هماهنگی کافی بین نهادهای دولتی و خصوصی برخوردار نباشند که این می‌تواند به کاهش کارایی سیستم آموزشی منجر شود.

- کمبود منابع مالی: در بسیاری از کشورها، کمبود منابع مالی برای اجرای برنامه‌های تربیتی و آموزشی، یکی از بزرگ‌ترین موانع بر سر راه سیاست‌گذاری مؤثر است.

- تنوع فرهنگی و اجتماعی: تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی در جوامع مختلف می‌تواند چالش‌هایی را برای طراحی و اجرای سیاست‌های تربیتی واحد ایجاد کند.

۶-۲- رابطه بین تربیت، آموزش و سیاست‌گذاری

رابطه بین تربیت، آموزش و سیاست‌گذاری تربیتی، در واقع به‌عنوان یک حلقه ارتباطی است که هر یک از این سه مقوله بر دیگری تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. در این بخش، بررسی خواهیم کرد که چگونه سیاست‌گذاری‌های تربیتی می‌توانند به‌طور مؤثر از مفاهیم تربیت و آموزش بهره‌برداری کنند.

الف. تأثیر تربیت بر سیاست‌گذاری‌های تربیتی: تربیت به‌عنوان یکی از ارکان اصلی فرهنگ و هویت هر جامعه، نقش مهمی در سیاست‌گذاری‌های تربیتی ایفا می‌کند. سیاست‌گذاری‌های تربیتی باید با توجه به ارزش‌ها، هنجارها و نیازهای فرهنگی جامعه طراحی شوند. برای مثال، در کشورهایی که فرهنگ دینی یا ملی خاصی دارند، سیاست‌گذاری‌های تربیتی باید از نظر تربیتی به اصول اخلاقی و فرهنگی آن جامعه پایبند باشند. تربیت به‌عنوان فرایندی که به‌طور مستقیم بر رشد



اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی افراد تأثیر می‌گذارد، می‌تواند در سیاست‌گذاری‌ها به‌عنوان یک ابزار برای تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی افراد مورد استفاده قرار گیرد (Klatt & Milana, 2020).

ب. نقش آموزش در سیاست‌گذاری تربیتی: آموزش به‌عنوان ابزاری برای انتقال دانش و مهارت‌ها، نقش کلیدی در سیاست‌گذاری‌های تربیتی دارد. سیاست‌گذاران باید به‌طور مداوم نیازهای آموزشی جامعه را شناسایی کنند و بر اساس آن‌ها استراتژی‌های آموزشی مناسب طراحی کنند. به‌طور خاص، آموزش به‌عنوان ابزاری برای تقویت مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، توسعه توانمندی‌های فردی و آماده‌سازی افراد برای ایفای نقش‌های اجتماعی و اقتصادی اهمیت دارد. در سیاست‌گذاری‌های تربیتی، باید به آموزش در سطوح مختلف (از ابتدایی تا عالی) و همچنین آموزش‌های مهارتی توجه ویژه‌ای صورت گیرد.

ج. هماهنگی بین تربیت و آموزش در سیاست‌گذاری: باید توجه داشت که تربیت و آموزش باید در سیاست‌گذاری‌های تربیتی باهم هماهنگ شوند. تربیت به‌عنوان پایه‌گذار ارزش‌ها و اخلاق فردی و اجتماعی، باید با آموزش که به‌دنبال ارتقاء دانش و مهارت‌های حرفه‌ای است، به‌طور متوازن و هماهنگ عمل کند. این هماهنگی می‌تواند از طریق طراحی برنامه‌های آموزشی که شامل ابعاد تربیتی (اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی) هستند، حاصل شود. به‌عنوان مثال، برنامه‌های آموزشی که مهارت‌های اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و همکاری را تقویت می‌کنند، می‌توانند به‌طور مؤثر بر تربیت و رشد شخصیت فرد تأثیر بگذارند.

۳-۶- مطالعات موردی

در این بخش، برخی از نمونه‌های واقعی سیاست‌گذاری تربیتی در کشورهای مختلف بررسی خواهد شد تا نشان داده شود چگونه سیاست‌ها در راستای تربیت و آموزش شکل گرفته‌اند.

الف. تجربه فنلاند در سیاست‌گذاری تربیتی: فنلاند به‌عنوان یکی از موفق‌ترین کشورها در زمینه سیاست‌گذاری تربیتی شناخته می‌شود. سیستم آموزشی فنلاند، که بر اساس اصول تربیتی ویژه‌ای طراحی شده، به موفقیت‌های زیادی در سطح جهانی دست یافته است. در سیاست‌گذاری‌های تربیتی فنلاند، تأکید زیادی بر تربیت معلمان باکیفیت، توجه به مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان، و ایجاد فضای آموزشی برابر برای همه اقشار جامعه شده است (Mandavkar, 2024). سیاست‌گذاران در این کشور، همواره تلاش کرده‌اند تا آموزش را از نظر محتوایی و تربیتی به‌طور همزمان تقویت



بررسی انتقادی نسبت تربیت و آموزش و کاربست آن در سیاستگذاری تربیتی؛ محدثه فدایی

کنند. سیاست‌های تربیتی فنلاندی همچنین بر ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی و توجه به نیازهای فردی و فرهنگی هر دانش‌آموز تأکید دارند.

ب. تجربه سنگاپور در سیاست‌گذاری‌های آموزشی: سنگاپور یکی دیگر از کشورهای

پیشرفته در زمینه سیاست‌گذاری تربیتی است که از موفقیت‌های بسیاری در زمینه آموزش برخوردار است. سیاست‌گذاری‌های تربیتی سنگاپور بر اساس سیستم آموزشی فشرده و هدفمند طراحی شده است که هم به ارتقاء مهارت‌های علمی و هم تربیت اجتماعی افراد توجه دارد. در سنگاپور، نظام آموزشی در جهت تأمین نیروی انسانی ماهر و با اخلاق در بازار کار و جامعه شکل گرفته است. این کشور همچنین سیاست‌های خاصی برای ترویج آموزش‌های مهارتی در کنار آموزش‌های علمی دارد که به تناسب نیازهای بازار کار و توسعه اقتصادی، افراد را برای ایفای نقش‌های شغلی آماده می‌کند (Chykharina, 2022).

ج. تجربه ایران در سیاست‌گذاری‌های تربیتی: در ایران، سیاست‌گذاری‌های تربیتی در

طول سال‌ها تحت تأثیر تحولات فرهنگی و اجتماعی مختلف قرار داشته است. سیاست‌گذاران ایرانی به‌ویژه در دهه‌های اخیر، به دنبال ارتقاء کیفیت نظام آموزشی و تربیتی کشور بوده‌اند. در سیاست‌های تربیتی ایران، همواره تلاش شده است که تربیت فردی با ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی متناسب با فرهنگ اسلامی و ایرانی تقویت شود. به‌طور مثال، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، به نقش تربیت اسلامی و تقویت هویت ملی تأکید شده است. با این حال، همچنان چالش‌هایی در زمینه هماهنگی بین سیاست‌های تربیتی و آموزشی و همچنین کمبود منابع مالی وجود دارد که نیازمند توجه بیشتر است. همچنین، لزوم توجه بیشتر به آموزش‌های مهارتی و تطابق آنها با نیازهای بازار کار، از دیگر مسائل مورد توجه در سیاست‌گذاری‌های تربیتی ایران است (معمدی راد و همکاران، ۱۴۰۳).

۷- چالش‌ها و نقدهای مربوط به کاربست تربیت و آموزش در سیاست‌گذاری تربیتی

نخستین مسأله‌ای که در این باب مطرح می‌شود این است که تفکیک بین تربیت و آموزش چه زبان‌ها و منافعی به دنبال دارد؟ در پاسخ می‌توان موارد ذیل را به عنوان زبان‌های تفکیک تربیت و آموزش نام برد:

- رشد نامتوازن: خبرگان بیان کرده‌اند که تفکیک ممکن است موجب رشد نامتوازن شود؛ یعنی فرد ممکن است از لحاظ علمی قوی باشد اما از نظر اخلاقی و اجتماعی ضعیف.



- کاهش کارایی نظام آموزشی: برخی معتقدند که این تفکیک می‌تواند به کاهش کارایی نظام آموزشی و تربیتی منجر شود زیرا اهداف مشترک از بین می‌روند. از جمله منافع تفکیک تربیت و آموزش نیز می‌توان موارد زیر را نام برد:
- تخصصی‌تر شدن برنامه‌ها: تفکیک می‌تواند به طراحی برنامه‌های آموزشی و تربیتی تخصصی‌تر کمک کند.
- مدیریت منابع: برخی متخصصان اشاره کرده‌اند که تفکیک، تخصیص منابع انسانی و مالی را بهینه‌تر می‌کند.

کاربست مفاهیم تربیت و آموزش در سیاست‌گذاری‌های تربیتی، با وجود اهمیت بنیادین خود، همواره با چالش‌ها و نقدهای متعددی مواجه بوده است. این چالش‌ها و نقدها، هم در حوزه نظری و هم در عرصه عملی خود را نشان می‌دهند و از جوانب مختلفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این بخش، به بررسی انتقادی این چالش‌ها و نقدها در سه محور اصلی می‌پردازیم: چالش‌های تئوریک، چالش‌های عملی، و نقدهای اجتماعی و فرهنگی.

۷-۱- چالش‌های تئوریک

چالش‌های تئوریک، ریشه در ابهامات و اختلافات نظری پیرامون مفاهیم تربیت و آموزش و نحوه ارتباط آنها با سیاست‌گذاری دارند. این چالش‌ها، اغلب به تفسیر و تعریف مفاهیم کلیدی، انتخاب رویکرد مناسب و همچنین ادغام این مفاهیم در چارچوب‌های سیاست‌گذاری مربوط می‌شوند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها می‌پردازیم:

الف. ابهام در تعریف مفاهیم تربیت و آموزش: یکی از اساسی‌ترین چالش‌های تئوریک، ابهام در تعریف دقیق و جامع مفاهیم "تربیت" و "آموزش" است. این دو مفهوم، اغلب به صورت مترادف یا همپوشان به کار می‌روند، در حالی که در معنای دقیق خود، تفاوت‌های مهمی دارند. تربیت، بیشتر بر رشد کلی شخصیت، شکل‌گیری ارزش‌ها و هنجارها و پرورش ابعاد اخلاقی و اجتماعی تمرکز دارد، در حالی که آموزش، بیشتر به انتقال دانش و مهارت‌ها، توسعه توانایی‌های شناختی و آماده‌سازی افراد برای نقش‌های مشخص در جامعه می‌پردازد. این ابهام در تعریف و تمایز این دو مفهوم، می‌تواند منجر به سیاست‌گذاری‌های مبهم و ناکارآمد شود (Berryman, 2000).

نقد رویکردهای تقلیل‌گرایانه: برخی از رویکردها، تربیت را صرفاً به آموزش ارزش‌های خاص یا انطباق با هنجارهای موجود تقلیل می‌دهند، که این رویکرد، از جامعیت و غنای مفهوم تربیت کاسته و آن را به ابزاری برای کنترل و شکل‌دهی مطابق با اهداف خاص محدود می‌کند.



نقد رویکردهای دوگانه: رویکردهایی که تربیت و آموزش را به صورت دوگانه‌ای کاملاً مجزا و مستقل در نظر می‌گیرند، نیز با چالش‌هایی مواجه هستند. این دیدگاه، از هم‌افزایی و ارتباط متقابل این دو مفهوم غافل شده و منجر به سیاست‌گذاری‌هایی می‌شود که در آنها، یا تربیت قربانی آموزش می‌شود یا بالعکس.

ب. چالش در انتخاب رویکرد تربیتی و آموزشی: انتخاب رویکرد تربیتی و آموزشی مناسب برای سیاست‌گذاری‌ها، یکی دیگر از چالش‌های تئوریک مهم است. در حوزه تربیت، رویکردهای مختلفی مانند رویکرد رفتارگرایانه، رویکرد شناختی، رویکرد انسان‌گرایانه و رویکرد انتقادی وجود دارند، که هر یک از آنها، اهداف، روش‌ها و نتایج متفاوتی را دنبال می‌کنند. در حوزه آموزش نیز، رویکردهایی مانند رویکرد سنتی، رویکرد ساخت‌گرا و رویکرد مبتنی بر شایستگی، با مفروضات و روش‌های متفاوتی ارائه شده‌اند. این تنوع در رویکردها، انتخاب رویکرد مناسب و سازگار با اهداف سیاست‌گذاری را دشوار می‌سازد.

نقد رویکردهای اقتدارگرا: رویکردهای تربیتی اقتدارگرا که بر اطاعت و انطباق تأکید دارند، با چالش‌هایی در زمینه پرورش خلاقیت، استقلال رای و مسئولیت‌پذیری افراد مواجه هستند. این رویکردها، اغلب به نادیده گرفتن نیازها و تفاوت‌های فردی و تحمیل ارزش‌ها و هنجارهای خاص می‌انجامند.

نقد رویکردهای لیبرال: رویکردهای تربیتی لیبرال که بر آزادی و فردگرایی تأکید دارند، با چالش‌هایی در زمینه ایجاد همبستگی اجتماعی و تعهد به ارزش‌های مشترک مواجه هستند. این رویکردها، ممکن است منجر به از بین رفتن انسجام اجتماعی و بی‌توجهی به مسئولیت‌های جمعی شوند.

ج. چالش در تلفیق و ترکیب مفاهیم تربیت و آموزش: یکی دیگر از چالش‌های تئوریک مهم، نحوه تلفیق و ترکیب مفاهیم تربیت و آموزش در سیاست‌گذاری‌های تربیتی است. به عبارت دیگر، چگونگی طراحی سیاست‌هایی که هم به انتقال دانش و مهارت‌های لازم برای زندگی فردی و اجتماعی بپردازند و هم به پرورش ابعاد اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی افراد توجه داشته باشند. در بسیاری از موارد، سیاست‌گذاری‌های تربیتی به صورت تک‌بعدی و با تمرکز صرف بر یکی از این دو مفهوم طراحی می‌شوند، که این امر، به ناکارآمدی و عدم تحقق اهداف بلندمدت تربیتی می‌انجامد. نقد سیاست‌های تک‌بعدی: سیاست‌هایی که صرفاً بر آموزش مهارت‌های شناختی و فنی تمرکز دارند و از ابعاد تربیتی غافل می‌شوند، با چالش‌هایی در زمینه پرورش شهروندان مسئولیت‌پذیر و متعهد



به ارزش‌های اخلاقی مواجه هستند. این رویکردها، ممکن است منجر به تربیت افرادی شوند که از نظر فنی ماهر و کارآمد هستند، اما از نظر اخلاقی و اجتماعی فاقد تعهد و مسئولیت باشند (Legotlo, 2014).

نقد سیاست‌های انتزاعی: سیاست‌هایی که صرفاً بر ابعاد تربیتی و ارزشی تأکید دارند و از ارائه آموزش‌های لازم برای زندگی عملی غافل می‌شوند، با چالش‌هایی در زمینه آماده‌سازی افراد برای ایفای نقش‌های اجتماعی و شغلی مواجه هستند. این رویکردها، ممکن است منجر به تربیت افرادی شوند که از نظر اخلاقی و ارزشی آرمان‌گرا هستند، اما از نظر عملی و مهارتی فاقد توانایی‌های لازم برای زندگی موفق باشند.

۷-۲- چالش‌های عملی

چالش‌های عملی، به مشکلات و موانع اجرایی در پیاده‌سازی سیاست‌های تربیتی که مبتنی بر تربیت و آموزش هستند، اشاره دارد. این چالش‌ها، اغلب به مسائل مربوط به منابع، ساختارها، فرآیندها و عوامل انسانی مرتبط هستند و می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر کارآمدی و اثربخشی سیاست‌های تربیتی داشته باشند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها می‌پردازیم:

الف. کمبود منابع مالی و انسانی: یکی از مهم‌ترین چالش‌های عملی، کمبود منابع مالی و انسانی لازم برای اجرای سیاست‌های تربیتی است. در بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، سیستم آموزشی با کمبود بودجه و امکانات روبرو است، که این امر، منجر به کاهش کیفیت آموزش، کمبود تجهیزات آموزشی، و عدم پرداخت حقوق کافی به معلمان می‌شود. همچنین، کمبود معلمان متخصص و کارآموده، یکی دیگر از مشکلات جدی است که تأثیر منفی بر فرایند یاددهی-یادگیری دارد.

نقد بودجه‌های ناکافی: سیاست‌گذاری‌های تربیتی اغلب با کمبود بودجه مواجه هستند، که این امر، باعث محدود شدن دسترسی به آموزش باکیفیت، کاهش انگیزه معلمان و افت کیفیت فضاهای آموزشی می‌شود.

نقد کمبود نیروی متخصص: عدم جذب و نگهداری معلمان متخصص و متعهد، به ویژه در مناطق محروم و دورافتاده، یکی از چالش‌های جدی است که تأثیر منفی بر کیفیت آموزش و تربیت دارد.

ب. ضعف در ساختارها و فرآیندهای اجرایی: ساختارها و فرآیندهای اجرایی نامناسب، یکی دیگر از چالش‌های عملی مهم است. در بسیاری از سیستم‌های آموزشی، ساختارهای



بوروکراتیک و سلسله‌مراتبی، مانع از انعطاف‌پذیری، نوآوری و پاسخگویی به نیازهای جامعه می‌شوند. همچنین، فرآیندهای ارزیابی و نظارت ناکارآمد، باعث عدم شناسایی نقاط قوت و ضعف سیستم آموزشی و عدم امکان اصلاح به موقع آن می‌شود.

نقد ساختارهای بوروکراتیک: ساختارهای بوروکراتیک و سلسله‌مراتبی در بسیاری از سیستم‌های آموزشی، مانع از نوآوری، مشارکت و پاسخگویی به نیازهای متنوع دانش‌آموزان و جوامع محلی می‌شوند.

نقد فرآیندهای ناکارآمد: فرآیندهای ارزیابی و نظارت نامناسب، عدم شناسایی نقاط قوت و ضعف سیستم آموزشی و عدم امکان اصلاح به موقع سیاست‌های تربیتی را به همراه دارد (Malik, 2018).

ج. چالش در هماهنگی و مشارکت ذینفعان: عدم هماهنگی و مشارکت فعالانه ذینفعان مختلف، یکی دیگر از چالش‌های عملی مهم است. در بسیاری از موارد، سیاست‌گذاری‌های تربیتی بدون مشارکت معلمان، دانش‌آموزان، والدین و سایر ذینفعان انجام می‌شود، که این امر، منجر به عدم پذیرش و عدم همکاری لازم برای اجرای مؤثر سیاست‌ها می‌شود. همچنین، عدم هماهنگی بین نهادهای مختلف مرتبط با آموزش و پرورش، باعث اتلاف منابع و موازی‌کاری می‌شود.

نقد رویکردهای بالا به پایین: سیاست‌گذاری‌های تربیتی که بدون مشارکت فعالانه ذینفعان انجام می‌شوند، اغلب با عدم پذیرش و عدم همکاری لازم برای اجرا مواجه می‌شوند.

نقد عدم هماهنگی بین نهادها: عدم هماهنگی بین نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی مرتبط با آموزش و پرورش، باعث اتلاف منابع، موازی‌کاری و عدم انسجام در سیاست‌ها می‌شود.

۷-۳- نقدهای اجتماعی و فرهنگی

نقدهای اجتماعی و فرهنگی، به انتقاداتی اشاره دارد که از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به سیاست‌های تربیتی وارد می‌شود. این نقدها، اغلب به تأثیر سیاست‌های تربیتی بر طبقات اجتماعی، گروه‌های فرهنگی، ارزش‌های جامعه و همچنین توسعه اقتصادی مربوط می‌شوند (Patrinos, 2011). در ادامه به برخی از مهم‌ترین این نقدها می‌پردازیم:

الف. نقد نابرابری‌های اجتماعی: یکی از مهم‌ترین نقدهای اجتماعی وارد بر سیاست‌های تربیتی، نابرابری‌های اجتماعی است. در بسیاری از جوامع، سیستم آموزشی به نفع طبقات بالای اجتماعی و گروه‌های برخوردار عمل می‌کند، که این امر، منجر به تشدید نابرابری‌های اجتماعی و کاهش فرصت‌های پیشرفت برای طبقات پایین اجتماعی می‌شود.



نقد دسترسی نابرابر به آموزش: سیاست‌های آموزشی اغلب منجر به دسترسی نابرابر به آموزش با کیفیت برای گروه‌های مختلف اجتماعی می‌شوند، که این امر، به تداوم نابرابری‌های اجتماعی می‌انجامد.

نقد محتوای نابرابر آموزشی: محتوای آموزشی اغلب به نفع طبقات بالا و گروه‌های برخوردار طراحی می‌شود و نیازها و ارزش‌های طبقات پایین و گروه‌های محروم را نادیده می‌گیرد.

ب. نقد تأثیرات فرهنگی: سیاست‌های تربیتی، می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر فرهنگ جامعه داشته باشند. در برخی موارد، سیاست‌های تربیتی باعث ترویج ارزش‌ها و هنجارهای خاص و نادیده گرفتن سایر فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها می‌شوند، که این امر، می‌تواند منجر به از بین رفتن تنوع فرهنگی و ایجاد تنش‌های اجتماعی شود.

نقد ترویج فرهنگ مسلط: سیاست‌های تربیتی اغلب باعث ترویج فرهنگ مسلط و نادیده گرفتن ارزش‌ها و هنجارهای سایر گروه‌های فرهنگی می‌شوند، که این امر، به از بین رفتن تنوع فرهنگی می‌انجامد.

نقد تحمیل ارزش‌ها: سیاست‌های تربیتی ممکن است منجر به تحمیل ارزش‌ها و هنجارهای خاص بر دانش‌آموزان شوند، که این امر، باعث ایجاد مقاومت و عدم پذیرش آنها می‌شود (Caplan, 2019).

ج. نقد ارتباط با توسعه اقتصادی: سیاست‌های تربیتی، باید به گونه‌ای طراحی شوند که به توسعه اقتصادی جامعه کمک کنند. با این حال، در بسیاری از موارد، سیستم آموزشی به اندازه کافی با نیازهای بازار کار هماهنگ نیست، که این امر، منجر به بیکاری فارغ‌التحصیلان و عدم استفاده بهینه از سرمایه‌های انسانی می‌شود. همچنین، سیاست‌های تربیتی باید به گونه‌ای باشند که به توسعه مهارت‌های لازم برای نوآوری و کارآفرینی کمک کنند، که این امر، نیازمند توجه ویژه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است.

نقد عدم هماهنگی با بازار کار: سیستم آموزشی اغلب به اندازه کافی با نیازهای بازار کار هماهنگ نیست، که این امر، منجر به بیکاری فارغ‌التحصیلان و عدم استفاده بهینه از سرمایه‌های انسانی می‌شود.

نقد عدم توجه به مهارت‌های نوآوری: سیاست‌های تربیتی اغلب به اندازه کافی به توسعه مهارت‌های لازم برای نوآوری و کارآفرینی توجه نمی‌کنند، که این امر، باعث کند شدن روند توسعه اقتصادی می‌شود (عزیزی، سجادی و صالحی، ۱۴۰۱).



۸- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

مقاله حاضر به بررسی انتقادی مفاهیم تربیت و آموزش و نحوه کاربست آن‌ها در سیاست‌گذاری‌های تربیتی پرداخته است. نتایج کلیدی این تحقیق به شرح زیر است:

- اهمیت تفاوت مفاهیم تربیت و آموزش: تربیت و آموزش، دو مفهوم متفاوت ولی مرتبط هستند. در حالی که آموزش عمدتاً بر انتقال دانش و مهارت‌های مشخص متمرکز است، تربیت به جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی شخصیت افراد توجه دارد. این دو مفهوم باید در سیاست‌گذاری‌های تربیتی به‌طور همزمان و متوازن در نظر گرفته شوند.
- چالش‌های تئوریک در تفسیر و ترکیب مفاهیم: یکی از مشکلات عمده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی، ابهام و تداخل مفاهیم تربیت و آموزش است. سیاست‌گذاران اغلب در انتخاب و ادغام این دو مفهوم با چالش‌هایی روبرو هستند که باعث ایجاد سیاست‌های مبهم و ناکارآمد می‌شود. از این رو، تعریف دقیق و جامع این مفاهیم و روش‌های پیاده‌سازی آن‌ها ضروری است.
- چالش‌های عملی در پیاده‌سازی سیاست‌ها: در بسیاری از کشورها، سیاست‌گذاری‌های تربیتی با مشکلات اجرایی زیادی روبرو هستند. این مشکلات شامل کمبود منابع مالی، نیروی انسانی متخصص، و ضعف در فرآیندهای نظارتی و ارزیابی است. این چالش‌ها مانع از تحقق اهداف بلندمدت تربیتی می‌شوند و برای رفع آن‌ها باید ساختارها و فرآیندهای اجرایی بازنگری شوند.
- نقدهای اجتماعی و فرهنگی: سیاست‌های تربیتی گاهی اوقات نتایج منفی اجتماعی و فرهنگی دارند. این سیاست‌ها ممکن است نابرابری‌های اجتماعی را تشدید کرده یا تأثیرات منفی بر تنوع فرهنگی و هویت ملی داشته باشند. در این راستا، توجه به عدالت اجتماعی و تنوع فرهنگی در طراحی سیاست‌ها ضروری است.
- نیاز به هم‌افزایی بین تربیت و آموزش: سیاست‌های تربیتی باید تلفیقی از تربیت و آموزش باشند تا به‌طور مؤثر به نیازهای فردی، اجتماعی و فرهنگی جامعه پاسخ دهند. این تلفیق باید در سطوح مختلف آموزش، از ابتدایی تا عالی، مورد توجه قرار گیرد.
- برای بهبود درک و کاربست مفاهیم تربیت و آموزش در سیاست‌گذاری‌های تربیتی، انجام تحقیقات بیشتر در زمینه‌های مختلف ضروری است. در این راستا، پیشنهاد زیر مطرح می‌شود:
- تحقیق در رابطه با اثرات ترکیب تربیت و آموزش در نظام‌های آموزشی مختلف: مطالعات بیشتری باید در زمینه بررسی اثربخشی سیاست‌هایی که تلفیقی از تربیت و آموزش را در نظر می‌گیرند،



انجام شود. بررسی تجربیات کشورهای مختلف و مقایسه مدل‌های مختلف می‌تواند به بهبود سیاست‌های تربیتی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته کمک کند.

- پژوهش در زمینه چالش‌های اجرایی سیاست‌های تربیتی: تحقیقاتی که به‌طور خاص به شناسایی و تحلیل چالش‌های عملی در پیاده‌سازی سیاست‌های تربیتی در کشورهای مختلف پرداخته و راهکارهایی برای غلبه بر آن‌ها ارائه دهند، می‌توانند به بهبود فرآیندهای اجرایی کمک کنند. این تحقیقات می‌توانند در زمینه‌هایی چون منابع انسانی، فضاهای آموزشی، و فرآیندهای ارزیابی و نظارت مفید واقع شوند.

- مطالعه تأثیرات اجتماعی و فرهنگی سیاست‌های تربیتی: پژوهش‌های بیشتری در زمینه تحلیل آثار اجتماعی و فرهنگی سیاست‌های تربیتی مورد نیاز است. این تحقیقات می‌توانند به بررسی تبعات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سیاست‌های مختلف پردازند و راهکارهایی برای کاهش نابرابری‌ها و حفظ تنوع فرهنگی ارائه دهند.

- پژوهش در زمینه آینده‌نگری و مهارت‌های شغلی: توجه به مهارت‌های شغلی و آینده‌نگری در سیاست‌گذاری‌های تربیتی اهمیت زیادی دارد. مطالعاتی که به مهارت‌های آینده، تکنولوژی‌های نوظهور، و نیازهای بازار کار پرداخته و آن‌ها را با سیاست‌های تربیتی تطبیق دهند، می‌توانند به افزایش بهره‌وری و کاهش بیکاری فارغ‌التحصیلان کمک کنند.

۸-۱- پیشنهادات برای سیاست‌گذاران

سیاست‌گذاران تربیتی باید با درک عمیق از مفاهیم تربیت و آموزش، سیاست‌هایی را طراحی کنند که به تحقق اهداف توسعه‌یافته پایدار کمک کنند. در این راستا، پیشنهادات زیر برای سیاست‌گذاران ارائه می‌شود:

- تعریف دقیق و کاربردی مفاهیم تربیت و آموزش: یکی از اولین گام‌ها برای طراحی سیاست‌های مؤثر، تعریف دقیق و جامع تربیت و آموزش است. سیاست‌گذاران باید از ابهامات و تداخلات موجود در این مفاهیم اجتناب کنند و سیاست‌هایی طراحی کنند که هر دو مفهوم را به‌طور همزمان در نظر بگیرند. این تعاریف باید با واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه هم‌خوانی داشته باشند.

- ارتقای کیفیت آموزش و تربیت معلمان: معلمان یکی از ارکان اصلی هر سیستم آموزشی هستند. سیاست‌گذاران باید به تربیت و آموزش معلمان توجه ویژه‌ای داشته باشند و برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای و به‌روزی برای آن‌ها طراحی کنند. این برنامه‌ها باید شامل آموزش‌های تخصصی در حوزه‌های مختلف تربیت و آموزش، به‌ویژه در زمینه‌های مهارتی و اجتماعی باشد.



- توجه به عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌ها: سیاست‌گذاران باید در طراحی سیاست‌های تربیتی به برابری فرصت‌ها توجه کنند. این سیاست‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که به همه اقشار جامعه، به ویژه گروه‌های محروم، دسترسی برابر به آموزش باکیفیت فراهم کنند. برنامه‌هایی که به کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کنند، باید در اولویت قرار گیرند.

- توسعه نظام‌های ارزیابی و نظارت مؤثر: یکی از مسائل کلیدی در پیاده‌سازی سیاست‌های تربیتی، توسعه سیستم‌های ارزیابی و نظارت است. سیاست‌گذاران باید فرآیندهایی طراحی کنند که به طور مداوم اثرگذاری سیاست‌ها را ارزیابی کرده و بر اساس نتایج به دست آمده، اصلاحات لازم را انجام دهند. این فرآیندها باید شفاف و مستقل باشند و به شناسایی مشکلات و چالش‌ها کمک کنند.

- ترویج رویکردهای مشارکتی در سیاست‌گذاری: سیاست‌گذاری‌های تربیتی باید به گونه‌ای باشند که همه ذینفعان شامل معلمان، والدین، دانش‌آموزان و جوامع محلی را در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها مشارکت دهند. این مشارکت می‌تواند موجب افزایش پذیرش و اثربخشی سیاست‌ها شود.

- توجه به نیازهای فردی و فرهنگی: سیاست‌گذاران باید در سیاست‌های تربیتی خود به نیازهای فردی و فرهنگی دانش‌آموزان توجه کنند. این سیاست‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که تنوع فرهنگی و تفاوت‌های فردی را در نظر بگیرند و بر اساس آن‌ها، برنامه‌های آموزشی متنوع و انعطاف‌پذیری را ارائه دهند.

- پاسخ به نیازهای بازار کار و مهارت‌های شغلی: با توجه به تغییرات سریع در بازار کار، سیاست‌گذاران باید به طور مستمر نیازهای مهارتی آینده را شناسایی کرده و آن‌ها را در سیاست‌های تربیتی و آموزشی خود وارد کنند. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید متناسب با نیازهای بازار کار و قابلیت‌های فردی دانش‌آموزان طراحی شوند.

در پایان، کاربست مفاهیم تربیت و آموزش در سیاست‌گذاری‌های تربیتی، یک فرایند پیچیده و چندجانبه است که به دقت، هماهنگی و هم‌افزایی نیاز دارد. سیاست‌گذاران باید با دقت به چالش‌های تنوریک، عملی و اجتماعی این مفاهیم توجه کرده و بر اساس آن‌ها سیاست‌های کارآمد و جامع‌تری طراحی کنند. در این راستا، تحقیق و پژوهش‌های بیشتر و توجه ویژه به نیازهای فردی و اجتماعی می‌تواند به پیشرفت و ارتقای کیفیت نظام‌های آموزشی و تربیتی کمک کند.



فهرست منابع

- عزیزی، عبدالله؛ سجادی، اسرا؛ صالحی، مهدی. (۱۴۰۱). *بررسی رابطه استفاده از تکنولوژی آموزشی با خلاقیت و نوآوری دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان رشته علوم تربیتی دانشگاه کردستان)*. تدریس پژوه، دوره ۱۰، شماره ۳، صفحه ۷۶-۱۰۲.
- مالک، حسین و نایب، خدیجه. (۱۳۹۰). *تعلیم و تربیت از نظر ارسطو*. فلسفه و کلام (حکمت و فلسفه)، دوره ۲، شماره ۵، صفحه ۱۰۳-۱۲۱.
- معمدی راد، محمد؛ علی پور، محمد؛ گرایلی، عاطفه؛ وردی یان، حدیث؛ رستگاری مقدم، امیر عباس. (۱۴۰۳). *مطالعه چالش‌های تعلیم و تربیت کوچ‌نشینان در ایران: مرور سیستماتیک*. مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ‌نشینان، دوره ۱، شماره ۴، صفحه ۱۳۳-۱۴۴.
- شمس مفرحه، سید کاظم؛ ایروانی، شهین؛ شرفی جم، محمدرضا؛ یاری قلی، بهبود. (۱۳۹۷). *تحلیل مفهوم، مبانی، اهداف و اصول عدالت تربیتی از منظر شهید مطهری*. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۲۶، شماره ۴۱، صفحه ۵-۲۸.
- Berryman, S. E. (2000). *Hidden challenges to education systems in transition economies*. World Bank Publications.
- Caplan, B. (2019). *The case against education: Why the education system is a waste of time and money*.
- Chykharina, K. (2022). *Development of education in Singapore*.
- Drozich, I., Drobin, A., Skrypka, I., Mamchych, O., Mykhailenko, O., & Kurach, M. (2023). *The role of education in the innovative society*. Amazonia Investiga, vol. 12. No. 64, p: 45-56.
- Focacci, C. N., & Perez, C. (2022). *The importance of education and training policies in supporting technological revolutions: A comparative and historical analysis of UK, US, Germany, and Sweden (1830–1970)*. Technology in Society, vol. 70, No. 1.
- Hulten, C. R. (2017). *The importance of education and skill development for economic growth in the information era (No. w24141)*. National Bureau of Economic Research.
- Kastrati, A. (2016). *The role of education for identity formation among Albanians and Serbs of Kosovo: The application of the difference-blinded approach for establishing citizenship regime in a multi-cultural society*.
- Klatt, G., & Milana, M. (2020). *Education and training 2020. Europe's Lifelong Learning Markets*, Governance and Policy: Using an Instruments Approach, 23-48.
- Korneiko, Y., Tarangul, L., & Dovzhuk, V. (2023). *Traditions and innovations: Two poles of education of the future*. Futurity Education, vol. 3. No. 1, p: 5-15.
- Legotlo, M. W. (2014). *Challenges and issues facing the education system in South Africa*.



- Li, J., & Pilz, M. (2023). *International transfer of vocational education and training: A literature review*. Journal of Vocational Education & Training, vol. 75, No. 2, 185-218.
- Malik, R. S. (2018). *Educational challenges in 21st century and sustainable development*. Journal of Sustainable Development Education and Research, vol. 2, No. 1, p: 9-20.
- Mason, G. (2020). *Higher education, initial vocational education and training and continuing education and training: where should the balance lie?*. Journal of education and work, vol. 33, No. 8, p: 468-490.
- McGrath, S., Mulder, M., Papier, J., & Stuart, R. (2019). *Handbook of Vocational Education and Training: Developments in the Changing World of Work*. Springer. 233 Spring Street, New York, NY 10013.
- Mason, G. (2020). *Higher education, initial vocational education and training and continuing education and training: where should the balance lie?*. Journal of education and work, vol. 33, No. 8, p: 468-490.
- McGrath, S., Mulder, M., Papier, J., & Stuart, R. (2019). *Handbook of Vocational Education and Training: Developments in the Changing World of Work*. Springer. 233 Spring Street, New York, NY 10013.
- Moscardini, A. O., Strachan, R., & Vlasova, T. (2022). *The role of universities in modern society*. Studies in Higher Education, vol. 47, No.4, p: 812-830.
- Moschonas, A. (2019). *Education and training in the European Union*. Routledge.
- Navid Adham, M., & Shafizade, H. (2016). *Explore the Challenges and Strategies for Skills Training in Iran*. Socio-Cultural Strategy, vol. 5, No. 3, p: 7-21.
- Paice, E. (2023). *The role of education and training*. Understanding doctors' performance, 78-90.
- Patrinos, H. A. (2011). *Education: past, present and future global challenges*.
- Raj, T., Chauhan, P., Mehrotra, R., & Sharma, M. (2022). *Importance of critical thinking in the education*. World Journal of English Language, vol. 12, No. 3, p:126-133.
- Rachmad, Y. E. (2022). *Educational Engagement Theory*.
- Rodolfa, E., & Schaffer, J. (2019). *Challenges to psychology education and training in the culture of competence*. American Psychologist, vol. 74, No. 9, p: 11-18.
- Rowe, A. K., Rowe, S. Y., Peters, D. H., Holloway, K. A., & Ross-Degnan, D. (2021). *The effectiveness of training strategies to improve healthcare provider practices in low-income and middle-income countries*. BMJ Global Health, vol. 6, No. 1.
- Scott, G. (2020). *Change matters: Making a difference in education and training*. Routledge.
- Thoms, C. L., & Burton, S. L. (2016). *Learning, development, and training: The influence of synergies through educational evolution*. International Journal of Adult Vocational Education and Technology (IJAVET), vol. 7, No. 4, p: 85-104.
- Wallace, L., Raison, N., Ghumman, F., Moran, A., Dasgupta, P., & Ahmed, K. (2017). *Cognitive training: How can it be adapted for surgical education?*. The Surgeon, vol. 15, No. 4, p: 231-239.
- Weber, M. (2019). *The rationalization of education and training*. Social Stratification, Class, Race, and Gender in Sociological Perspective, Second Edition. Routledge.



Wright, E. (2020). *Nurturing identity formation in adolescence through narrative learning: a dialogue between the pedagogies of media literacy and religious education*. British Journal of Religious Education, vol. 42, No. 1, p: 14-24.

A critical study of the relationship between education and training And its application in educational policymaking

Muhaddeseh Fadaei

PhD in Cultural Management and Planning, Azad University, Research Sciences Branch

Abstract

This article critically examines the relationship between the two concepts of "education" and "training" and their application in educational policy-making. Since education and training are two widely used concepts, this research emphasizes the need to coordinate and integrate these two concepts in policy design. The article specifically addresses the theoretical and practical challenges in separating and integrating these two concepts in educational policies and also raises social and cultural critiques. The method of this article is library study and literature review; based on this method, literature review and library study includes a systematic review of scientific sources, books, articles, and other available information, and its main goal is to analyze theories, concepts, and previous findings to better understand the research field, identify existing gaps, and determine research questions. This method emphasizes the use of secondary sources and analysis of existing data. The findings of this study point to the inextricable link between education and training, which is essential for the realization of the educational and training goals of a society. Also, practical problems such as lack of human and financial resources, weaknesses in executive structures, and theoretical challenges in defining these concepts have been examined. Finally, this article emphasizes the need to improve educational policies with the aim of improving the quality of education and training in different societies and suggests that fundamental changes be made in the implementation and evaluation processes to respond to the needs of the society. It also recommends that policymakers consider comprehensive and participatory approaches in the design and implementation of educational policies and provide sufficient financial and human resources for the educational system.

Keywords: education, training, educational policy-making, education.